

بسم الله الرحمن الرحيم

۳۴۵ - ۱۶۴

مجموعه نمایشنامه‌های (برگزیده)

فریدون ایمان نژاد

انتشارات مهربرنا

زمستان ۱۳۹۵

سرشناسه	:	سلیمان نژاد، فرحناز، ۱۳۴۳ -
عنوان و نام پدید آور	:	مجموعه نمایشنامه‌های برگزیده فرحناز سلیمان نژاد .
مشخصات نشر	:	تهران: مهربرنا، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	:	۹۶ ص.
شابک	:	978-600-147-023-3
موضوع	:	نمایشنامه فارسی -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۰ م ۸۸۷/ل ۸۰۹۸ PIR
رده بندی دیویی	:	۸۴۲/۶۲
سازمان کتابشناسی ملی	:	۲۴۵۲۶۸۱



انتشارات مهربرنا

عنوان کتاب : مجموعه نمایشنامه‌های برگزیده

مولف : فرحناز سلیمان نژاد

ناشر : مهربرنا، تلفن و نمابر ۵۵۷۵۲۰۲۷ همراہ ۰۹۱۳۳۷۹۵۷۸ صندوق پستی: ۷۷۱۸-۱۴۱۵۵

ویراستار : سید اسماعیل هاشمی

حروفچینی، صفحه‌آرایی و طرح جلد: انتشارات مهربرنا

چاپ و صحافی : پارسا

نوبت چاپ : اول

تاریخ چاپ : زمستان ۱۳۹۵

تعداد صفحات : ۹۶

تیراژ : ۱۰۰۰

بها : ۶۰۰۰۰ ریال

Isbn:978-600-147-023-3

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۱۴۷-۰۲۳-۳

اجرا: شرکت تعاونی دانش و فن گستر برنا

فهرست

صفحه

پیشگفتار..... ۵

چاووش..... ۱۳

انتظار..... ۲۹

عصیان..... ۴۱

رایجی و مل..... ۵۹

نقطه‌ی وصال..... ۷۱

فردا باز هم روز خداست .. ۸۳

هنر دمیدن روح تعهد در انسان‌هاست: «امام خمینی ره»

پیشگفتار

واژه‌ی نمایش از واژه‌ی یونانی دراما^۱ ریشه می‌گیرد و به معنای کاری است که انجام می‌شود و یا عملی که بر روی صحنه روی می‌دهد. (رضایی، عربعلی، ۱۳۸۲)

در حقیقت درام یا نمایش، در مفهوم کلی خود اثری است که به منظور نمایش نگارش می‌یابد و بازیگران بر روی صحنه و در برابر تماشاگران، آن را اجرا می‌کنند اما معنای دقیق این واژه برابر است با اثری نمایشی و نمایشی با پایانی شاد یا غم‌انگیز و هدف آن تصویر زندگی یا شخصیت، افر، یا روایت داستانی است که گاه همراه با تضادها و تعارض-هاست.

درام یا نمایش در اعجاز جتنی از مراسم و مناسک مذهبی بوده که برای ستایش خدایان، پادشاهان، و ... اجرا می‌شده اما با گذشت زمان نمایش، از شکل شعائر مذهبی به وسیله‌ای برای سرگرمی، بیان حال و آموزش تبدیل شد. در قرن حاضر، عموماً نمایش نامه‌ها به زبانی ساده و بی‌تکلف تألیف می‌شوند و مضمون اصلی آن بر محور مسائل عبادی و زندگی شکل می‌گیرد. بدین ترتیب تلاش برای نشان دادن شکل معصوم زندگی سبب شد تا نکات غم‌انگیز و خنده‌دار در کنار هم به نمایش درآیند (مازندران).

بدین ترتیب می‌توان گفت که نمایش، یکی از قدیم‌ترین و هم‌یکی از جدیدترین هنرهاست؛ این هنر وسیله‌ای ارتباطی زنده و مستقیم و روبه-

^۱ - Drama

روست. در هر بار طرح شدن تأثیر می‌گیرد و تأثیر می‌گذارد و حتی می‌تواند وسیله‌ای شود برای تبلیغ و ترویج هر نوع اندیشه و یا طرح هرگونه سوال.

اما تاریخچه‌ی نمایش در ایران باز می‌گردد به نمایش‌های آیینی که مشهورترین آن داستان «سوگ سیاوش» است که ریشه‌ی آن در پیش از اسلام می‌باشد و در دوره‌ی اسلامی به تدریج رنگ اسلامی گرفت اما با روی ترمز آمدن مذهب تشیع «تعزیه» جایی برای خود گشود. اگرچه درباره‌ی زمان شروع آن اختلاف نظر است اما مهم آن است که بپذیریم تعزیه یکی از مراسم نمایش ایران است که تا امروز راه خود را ادامه داده. همچنین از نمایش‌های غیر مذهبی نیز در ایران آثاری چون نقالی و خیمه شب بازی دیده می‌شود. ولی ریشه‌ی تئاتر معاصر ایران را باید در نمایش‌های شادی آور^۱ از اواسط عهد صوئی به نام که در دوره‌ی زندیه و قاجاریه به ترتیب با تغییراتی در محتوا و روش نگارش داشت، به ویژه آنکه با بازگشت دانشجویان که به اروپا عازم شده بودند (اوایل قرن بیستم) آشنایی با فرهنگ مغرب زمین شروع شد و در این میان عده‌ای علاقه‌مندان به هنر نمایش به تدریج به نوشتن نمایشنامه‌هایی به سبک اروپایی نمودند و یا نمایشنامه‌های مغرب زمین را ترجمه کردند.

پس از آن به تدریج موسسات نمایشی کوچکی در ایران دایر شد و تئاتر تا به امروز با فراز و فرودهای بسیار راه خود را پیش گرفت. گاه به کنجی خزید و گاه فریاد برآورد. گاه مورد بیمهری و گاه مورد توجه قرار گرفت.

اما یکی از مهم‌ترین کاربردها و کارکردهای نمایش تأثیر آن بر روند آموزش و پرورش است. امروزه بسیاری از پژوهشگران عرصه‌ی هنر

^۱ - Farce

نمایش، بدین نکته دست یافته‌اند که نمایش می‌تواند سبب ایجاد روحیه‌ی تفکر و خلاقیت در کودکان و نوجوانان و انتقال فرهنگ‌ها و ارزش‌های مورد نظر هر جامعه به ایشان گردد. کاربست پژوهش‌های انجام شده در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که با بهره‌گیری از هنر نمایش می‌توان به صورت غیر مستقیم بسیاری از نکته‌های آموزشی، تربیتی، فرهنگی و اجتماعی را به کودک و نوجوان آموخت و این‌ها را به‌وسیله‌ی عام‌المنفعه می‌توان به دنبال می‌شود که مخاطبین کودک و نوجوان ما در زندگی آینده‌ی خود به دنبال کشف، شهود و تجربه کردن باشند که بی تردید سبب ماندگاری بیشتر آموزه‌ها در ذهن ایشان خواهد شد.

نمایش در دنیا به ترتیب به جسم و روح توجه بسیاری داشته و از این طریق که کان و جویان توانسته‌اند با پدیده‌های زیباشناسی و نقش‌های گوناگون زندگی بسازند و مهم‌ترین نکته‌ای را که یک کودک یا نوجوان می‌تواند از آن به‌دست بیاورد، از آن بهره بگیرد. اعتماد به نفس، مبارزه با فردگرایی مفرط، انعطاف‌پذیری و خجالت کشیدن است که از این راه می‌توان خیلی سریع تر خود را در جامعه، بیرونی و در میان افراد اجتماع ببینند.

از سوی دیگر هنر نمایش می‌تواند به کمک نمایش دهد که ضمن شناخت دانش‌آموزان خود، آنان را در مسیر دلخواه هدایت نماید.

اما دفتری که اکنون پیش روی شما قرار دارد مجموعه‌ای نمایش‌نامه‌هایی با موضوع دفاع مقدس است. بی شک یکی از مؤثرترین منابع و رویدادهای تاریخ معاصر ایران، حماسه‌ی هشت سال دفاع مقدس می‌باشد؛ دفاعی جانانه از مرز و بوم ایران اسلامی؛ دفاع از کیان ملتی که برای حفظ آرمان‌ها و ارزش‌های اصیل خویش تا پای فدا کردن عزیزترین سرمایه‌های خویش که همانا جوانان این مرز و بوم بود پیش رفت و

سرانجام سربلند و سرفراز از این آزمون سخت و دشوار بیرون آمد اما آن چه در نمایش‌هایی با موضوع دفاع مقدس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است شناخت مخاطب این گونه از تئاتر است. زیرا اساساً نمی‌توان تئاتر را بدون مخاطب تصور نمود. بنابراین گروه‌های نمایش و نمایشنامه نویسان همواره مخاطب خود را مد نظر قرار می‌دهند و بر آن هستند تا با شناخت کامل از او اقدام به خلق و آفرینش بنمایند. به ویژه در ارزش و پرورش که مخاطبین اصلی آن، کودکان و نوجوانان هستند؛ نساج که نیازمند بازشناخت این واقعه‌ی تاریخی میهن خویش است به همین جهت شناخت درست از مخاطب، سبب می‌شود تا فرآیند شکل‌گیری نمایش یک‌سویه جریان نیابد و نیازهای ذهنی، عاطفی و روانی تماشاگران مورد توجه قرار گیرد.

نویسنده‌ی مجموعه‌ی ضربی از مربیان دلسوز و با سابقه در عرصه‌های تربیتی است که خود رده‌ی سرزمین خون و حماسه در غرب ایران است و سال‌های جوانی خویش را در بارش بمب‌ها و گلوله‌ها و موشک‌ها سپری کرده و از نزدیک شاهد رادمردان سرزمینش بوده است و به همین خاطر توانسته با قلمی شیوا و روان تصویر صحیح‌تری از دفاع مقدس ارائه نماید. این آشنایی با فضای جنگ را با آن فرهنگ بومی هم میهنانش باعث شده که در متن نمایش نام‌های حاضر نشانه‌ای از آدم‌های آشنا همراه با گویش‌ها و لهجه‌های دل‌نشیر بومی و به تحقیق نویسنده در این زمینه به توفیق فراوانی دست یافته است و کارگردانی مجموعه‌ی حاضر را نیز به عهده داشته است.

از سوی دیگر شناخت وضعیت اجتماعی و دغدغه‌های روزمره‌ی جوانان موضوعی آشنا برای نویسنده بوده و به همین خاطر توانسته با مخاطبین جوان خود تعامل برقرار نماید و تماشاگران بسیاری را در پای اثر هنری

خویش بنشانند که حاصل آن کسب رتبه‌های برتر استانی و کشوری تئاتر دانش آموزی در سال‌های اخیر بوده است.

از آن جایی که مخاطب جوان امروز ما به حجم وسیعی از وسایل ارتباط جمعی و سرگرم کننده دسترسی دارد. میزان توقع و انتظار او تا حد زیادی نسبت به سال‌های گذشته ارتقا یافته و از آن جهت که تئاتر نیز وظیفه‌ای هم راستا با یک رسانه دارد وظیفه دست اندرکاران تعلیم و تربیت وظیفه‌ای خطیر است که توجه به تئاتر دانش آموزی از آن جدا نمی‌باشد.

بنابراین تلاش نویسنده که در طول سال‌ها از نزدیک دستی بر این آتش داشته بر آن است که مخاطب دوست داشتنی خود را در دنیای پر یاهوی رسانه‌ها از تئاتر روگردان نکند و او را به بهانه‌ی اجرا و دیدن یکی از مهم‌ترین مبایم فرهنگی ملی و دینی ایرانیان که همانا ایثار و فداکاری، رشادت و گذشت و بیادیت در راه باورها و آرمان‌هاست آشنا نماید.

امید که خرابدگار و دمار بران این متون نمایشی به ویژه مربیان و دبیران گران قدر بتوانند ضمن بهره‌گیری از این متون و ایجاد زمینه مناسب برای اجرای آن توسط دانش‌آموزان رزان زمینه بروز و ظهور استعدادها و خلاقیت‌های ناب دانش آموزان خویش فراهم نمایند. و بدین ترتیب فرهنگ خالص و ناب دفاع مقدس را به سطح‌های آموزشی خویش ترویج نموده و آن را گسترش دهند و بدان امید که خدای شاهدان شهید از تمامی دلسوزان و دل سوختگان راضی و خشنود باشد.

سخنی با شما از روی صمیمیت

در قلب کوه‌های غرب ایران و در میان دو قوم کهن ایرانی «کرد» و «لر» چشم به جهان گشودم، سرزمینی که امروز آن را ایلام نامیده‌اند. هنوز لذت دوران شیرین کودکی در یادم بود که بوی خون و باروت سال‌های جوانی‌ام را در بر گرفت و آن چه را سال‌ها در قصه‌های مادر بزرگ‌ها و

پدربزرگ‌ها از دلاورمردی مردان سرزمینم شنیده بودم ، اکنون می‌دیدم . از آن روزها گفتن ، نیازمند صفحات سفید بی‌شماری است ، اما آنچه باور دارم این است که آنچه با سرشت من و همسالانم در آن سال‌ها پیوند خورد رنگی آمیخته از سرخی خون و سفیدی امید بود .

روزها و سال‌های پر التهاب جنگ اگرچه باورم را قوی کرد اما لرزش دل‌هایی که در تب و تاب رفتن عزیزانمان بر قلب‌ها نشست تا امروز با من است .

نسل ما نسل شجاعت‌ها بود . پس درد دل‌هایمان در سینه مدفون ماند و با اندوهی پنهان در خود گریستیم و امروز این جوهر اشک‌هایمان است که بر لب‌های حیات و طرات و دل نوشته‌هایمان می‌چکد .

دوستان و یاران صمیمی این روزها و فرزندان برومند جوانم که اینک سال‌های پیش را با شما سپرده‌ایم ؛ شما که خود نیز نسل شجاعان هستید . شجاعت پذیران بارهای بدرائتان ، نیک بدانید که ما زمانی همه-ی هستی خود را بر کف نداشتیم و تا ندیم ایران و اسلام عزیزمان کردیم و از این پیش-کش سربلندیم .

بی‌تردید می‌دانم که اگر شما نیز در آن زمان در کنار ما بودید جز این نمی‌کردید که ایرانی را غیرتمندی او ایرانی کرده است و تفاوتی ندارد نسل کتاب و روزنامه و شب‌نامه باشد یا نسل کامپیوتر و اینترنت «هر چه هستیم باشیم ایران مال من است» اکنون آنچه به نگارش درآمده ، تنها یادمان روزهایی است که ممکن است هر ملتی در هر زمانی آن را تجربه کند اگرچه تلخ و جانگداز باشد .

مرور تاریخ به ما نشان داد که ملت‌ها برای حفظ کیان خویش آنچه را داشته‌اند فدا کرده‌اند و بعدها یا آن را در قالب قصه‌ها و حکایت‌ها یا در قالب نوشته‌ها و تصاویر ، به فرزندان خویش سپرده‌اند و این مسیر ، هنوز

به مدد مرکب ناب طی می‌شود؛ مرکبی که سوارش تن‌پوشی جز عشق و مهر و محبت به سرزمینش به تن نداشت.

اینک من تنها برای ادای دین خود به آن روزها که در زیر آسمان تیره و تار و زمین خون رنگ سرزمینم گذراندم به نوشتن پرداختم و قلم را برگزیدم که ابزار معلم جز قلم و کاغذ او نیست.

برای من سال‌های جبهه و جنگ سال‌های سختی بود. اما در کنار تمام سختی‌ها آنچه به دست آوردم و برابیم باقی ماند، در مقابل روزها و لحظه‌های جانگداز آن بسی ارزشمند و والا بودند. پس گوشه‌ای از آن روزها را تصدیق کردم اما این تصویرها حاصل دیده‌ها و یا شنیده‌هایم نیست، بلکه ناصل به بی‌اسی است که با شنیدن آمیخته شد و حاصل آن بینش و بصیرتی بود. راینده و روز افزون.

جنگ به گذشته و آموختن و گذشتن را، به ما با هم بودن، در کنار هم بودن و پذیرش و غریب را آموخت. جنگ به ما آموخت که دوست داشته باشیم و غریب را بپذیریم. جنگ به ما آموخت که چگونه بیزار و متنفر باشیم جنگ به ما آموخت که رزق و شکست را چشاند و از همه بالاتر جنگ ما را بزرگ کرد زودتر از آن چه تصور می‌کردیم بزرگ شدیم و چه زود پیر شدیم. سال‌های میانی جنگ، تارهای سفید را در لابه‌لای موهایمان نظاره کردیم و این موی سفید حاصل تجربه‌ای به نام سال‌های جنگ بود. جنگ به ما جسارت ابراز وجود داد.

جسارت و مهارت گفتن «نه» و شنیدن آن، جسارت بدگی کردن و در پایان جام زهر نوشیدن. آنان که روزها و شب‌ها را با صدای مه‌شک و بمب و تفنگ گذرانده‌اند می‌دانند خواستن برای زنده ماندن چیست و اراده برای رفتن و نماندن چسان است. جنگ به ما جنگیدن را آموخت و به همان اندازه پیش بردن دستان پر قدرت برای پذیرش صلحی غیرتمندانه. جنگ به ما آموخت که چگونه مادر باشیم و غم غریب نبودن فرزند را

بپذیریم . یاد گرفتیم چگونه خواهری باشیم که دیگر می‌داند برادری برای تکیه‌گاه بودن نیست و چگونه پدر باشیم که می‌داند دیگر پسرش برای گرفتن سکان زندگی و روزگار پیری در کنارش نیست . جنگ به ما آموخت که زندگی جریان دارد و امید جزئی جدا نشدنی از آن است و امروز بودنمان و نوشتنمان حاصل همان آموختن‌هاست .

امید که توانسته باشم تنها و تنها بخشی از آموخته‌هایم را تقدیم شما کنم تا رازی که قصه گوی فرزندانان هستید ، قصه‌ی ناب شما باشد .
 پایان لازم می‌دانم از همکار ارجمندم سرکار خانم فرحناز غیائی که نمایشنامه‌ها را بجهت وصل و نقطه وصال را بازنویسی نمودند ، تشکر و قدردانی نمایم

www.ketabon.com